



مقالات برگزیده - ۵

بررسی علل عدم ذکر نام اهل بیت (ع) در قرآن

شهید آرمان علی وردی (طلبه شهید پایه سوم)



آیاتی که مستقیم به فضائل و امامت حضرت علی (ع) اشاره دارد و تأمنل در شأن نزول آنها نشان میدهد، این عدم تصریح از روی حکمت و مصلحت بوده و هیچ خدشه ای به مسئله امامت و ولایت بعد از پیامبر اسلام (ص) وارد نمی‌کند.

واژگان کلیدی: ولایت، امامت، قرآن، تحریف، حکمت، امام علی (ع)، اهل بیت (ع).

مقدمه

بحث ولایت و امامت از مهم‌ترین مباحث جامعه اسلامی از صدر اسلام تاکنون بوده است و بی‌شک در تعیین مسیر زندگی و هدایت و ضلالت امت تعیین کننده است، لذا گفتگو درباره آن همواره لازم و ضروری است. دیدگاه شیعیان که این جایگاه والا و مهم را الهی دانسته و معتقدند باید از طرف خداوند مشخص شده باشد و مشخص هم شده است، جای این سوال هست که چرا در قرآن نامی از امامان بیان نشده و این روشن‌گری صریح اتفاق نیافتاده، با

چکیده: یکی از مسائل و موضوعات مهم و سرنوشت ساز بعد از رحلت رسول خاتم (ص) که در اهمیت آن بین مذاهب اسلامی اختلافی وارد نیست، مسئله ولایت و امامت جامعه مسلمین است که توسط چه کسی باید اداره شود و از آنجایی که شیعیان معتقدند این تصمیم مهم از سوی خداوند صورت گرفته و امامت امت اسلامی بر عهده امامان پاکی از اهل بیت پیامبر (ص) قرار گرفته است، برای برخی این سوال پیش آمده که پس چرا موضوع با این اهمیت و حساسیت در کتاب آسمانی مسلمین یعنی قرآن به صراحت وارد نشده و از ذکر اسامی اهل بیت به ویژه حضرت علی (ع) خبری نیست؟ پرسشی که پاسخ‌های متعددی در جواب آن داده شده، از جمله واگذاری تبیین این مهم به پیامبر (ص) که خود می‌تواند فلسفه و حکمت‌هایی مانند عدم طمع برخی جهت تحریف قرآن یا آزمودن و امتحان جامعه و اثبات حرف شنوی مردم از رسول خدا (ص) داشته باشد.



مانند آیه ۲۳ سوره بقره که مرحوم خوئی این را در مقام اثبات نبوت پیامبر اسلام (ص) می‌داند اما عده ای با ارائه سندی ضعیف آن را درباره حضرت علی (ع) نام می‌برند. یا برای مثال ابن شنبوذ بغدادی که از علمای اهل تسنن می‌باشد قائل بر این نظر است و آیه شریفه «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ» (۳) را «بیدر بسیف علی و انتم...» قرائت می‌کند که در اینجا ابن شنبوذ تاویل آیه و مورد نزول آن را با تنزیل خلط کرده است.

در علمای شیعه نیز تعدادی بر این نظرند و متکی به روایات ضعیف السنند دیدگاه خود را بیان می‌کنند از جمله میرزا حسین نوری در کتاب فصل الخطاب است. در کتب روایی، روایات اندکی وجود دارد که با صراحت به تحریف اشاره می‌کنند یا اینکه بنظر می‌رسد تحریف صورت گرفته و نام امام علی و اهل بیت پیامبر در قرآن بوده اما دستخوش حذف و تحریف قرار گرفته که از نظر سندی ضعیف است. برای مثال آیه ۱۶۶ سوره نساء: «لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» (۴) که در اینجا بعد انزال الیک، ((فی علی)) می‌آورند که با توجه به سیاق و معانی آیه مشخص است موضوع چیزی غیر از حضرت علی (ع) و اهل بیت عصمت و طهارت هستند یا مثلاً سوره احزاب آیه ۷۱ که این آیه در مورد نافرمانی و کارشکنی کردن منافقان و کارفران است

وجود این که خود اهل بیت علیهم السلام نیز اهمیت بسیار اصل امامت را متذکر شده اند، برای مثال در نقلی زراره از امام باقر (ع) بیان می‌کند که ایشان فرمودند: اسلام بر پنج چیز بنا شده: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. سپس زراره از امام پرسید کدامیک از اینها برتر است؟ فرمودند: ولایت برترین آنهاست زیرا کلید همه آنها به شمار می‌رود و والی همان دلیل آنهاست (۱). و در روایتی دقیقاً مشابه همین مطلب از امام صادق (ع) نقل میشود (۲). نوشتار حاضر ضمن بررسی قرآنی و روایی مسئله و پاسخ به این پرسش، دیدگاه‌های مختلفی را از دسته افراطی تا تفریطی و از جمهور متکلمان تا محدثان شیعه را بررسی و جمع بندی آنها را از نظر عقلی، نقلی و تحلیلی ارائه می‌دهد.

دو دیدگاه متعارض

الف) دیدگاه مدعیان تحریف قرآن

در میان شیعیان و برخی از علمای اهل تسنن عده‌ای قائل به این هستند که نام اهل بیت علیهم السلام در قرآن وجود داشته اما در ادوار مختلف و با مقاصد سوء عده ای دست به تحریف قرآن زده و نام اهل را از قرآن کریم حذف کردند تا در حفظ قدرت راه هموار تر و بدون مشکلی را طی کنند.

بیشتر این افرادی که قائل به این نظر هستند به روایاتی اتکا می‌کنند که عموماً از نظر سند و دلالت ضعیف است یا برداشت اشتباهی از تاویلات آن دارند،



میشود که در این اندک ، فرصت بازگویی آنان نیست .

عامل اصلی عدم تصریح به نام امامان (ع) در قرآن

در قرآن کریم نام افرادی به چشم می خورد که با وجود اهمیت و نقل داستان آنها اما از بیان نامشان خودداری شده و تنها اکتفا به صفات و ویژگی های آنها صورت گرفته اما نامی از آنها نیامده و این مسئله هم در جبهه و افراد با عقاید باطل و نادرست یافت میشود، برای مثال حضرت حوا که با وجود تاثیر و نقش ایشان در کنار حضرت آدم و زنی که به عنوان اولین مخلوق زن در عالم شناخته میشود اما نامی از ایشان برده نشده و این در حالی است که حداقل هفت بار نام حضرت آدم تکرار شده. از دیگر موارد که بخواهیم یاد آور شویم فرعون در کفر و ظلم به سر می برد و در تقابل پیامبر اولوالعزم خداوند قرار داشت اما نامی از او برده نشد.

همچنین سوره کهف آیه ۶۵ بنابر نظر تفاسیر مهم که اشاره به این کرده اند که شخص در آیه حضرت خضر است اما نامی از ایشان برده نشده .

پس مشخص می شود که نام نبردن از اشخاص در قرآن دلیل بر حقانیت و عدم حقانیت آنها یا خوب و بد بودن آنها نیست بلکه بر اساس مصالح و حکمت هایی از سمت خداوند این امر صورت گرفته و در مورد ولایت امیرالمومنین (ع)

و اینجا اطاعت از امیرالمومنین علی (ع) مدنظر نیست .

و چندین آیه دیگر که بمانند این آیات با تاویلات اشتباه و در نظر نگرفتن شأن نزول و با قرار دادن آنها در کنار روایات ضعیف السند موجب شده تا برداشت اشتباهی شود و بحث تحریف مطرح شود.

ب) دیدگاه منکران امامت الهی

برخلاف دیدگاه قبلی که نظر به تحریف قرآن داشت و قائل بود در جاهای مختلف قرآن نام امیرالمومنین علی (ع) فرزندان بزرگوارشان در قرآن ذکر شده، عده ای نیز در نظری کاملاً برعکس و متفاوت، بر این نظر شده اند که نه تنها نامی از اهل بیت (ع) در قرآن ذکر نشده، بلکه هرگز مقام امامت آنان در قرآن نیامده و آیات مرتبط با امام علی (ع) و اهل بیت تنها بیان کننده فضائل آنان است که این دیدگاه نیز کاملاً رد و از پایه و اساس اشتباه و مورد خدشه است، چرا که با بررسی و نظر به شان نزول آیات مرتبط با امامت و ولایت و آیات مرتبط با امام علی (ع) در کنار روایات متعدد و صحیح السند رد این نظر به راحتی آشکار می شود برای مثال آیه ولایت (۵)، آیه تبلیغ (۶)، آیه اکمال (۷)، آیه خیر البریه (۸)، آیه اولی الامر (۹) و ده ها آیه و سوره از قرآن کریم که با بررسی منصفانه و بدون از تعصب و همچنین تطبیق درست روایات، منجر به آشکار ساختن فضائل و مناقب اهل بیت (ع) و همچنین مقام و جایگاه ولایت آنان



کسی نمی‌تواند بگوید من خود باتوجه به مصلحت یا میل و سلیقه آنگونه که فکر فکر می‌کنم درست است انجام میدهم چراکه در این صورت آن عمل انجام شده باطل است و مقبولیتی نزد پروردگار ندارد.

در مسئله امامت و خلافت جامعه مسلمین که به مراتب اهمیت بیشتری دارد نیز چنین است و خداوند با آوردن چندین آیه و همچنین ابلاغ ماموریت های مختلف برای مشخص کردن شخص امام این مسئله را به پیامبر و اگذاری کرده است. برای مثال بخاطر اهمیت تبلیغ امامت خداوند میفرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (۱۰) یعنی ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! (۱۱). پس در اینجا مشخص میشود آنچه که خداوند اراده فرموده و پیامبر را مامور به بیان و آشکار سازی آن کرده به قدری مهم و حائز اهمیت است که در صورت عدم بیان و رساندن آن به مردم بیست و سه سال رنج و زحمتی که حضرت محمد مصطفی صلوات الله علیه کشیده اند همه اش از بین می‌رود.

در همان سوره مائده ابلاغ این مطلب و مشخص کردن ولی و خلیفه را به قدری والا بیان می‌کند که آن را سبب کامیل شدن دین نام می‌برد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۱۲) یعنی امروز، دین

بعد رسول خدا (ص) و نام بردن از اهل بیت (ع) هم چنین است که ما به قدر وسع به اندکی از این موارد اشاره می‌کنیم. در بسیاری از موارد خداوند تبیین و تشریح امور را چه در مسائل احکام و چه در مسائل عقاید به پیامبر خود حضرت محمد صلوات الله علیه واگذار کرده است و این سخن در روایتی که ابو بصیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند مشخص می‌شود، در روایت کتاب کافی آمده که بعد از پرسش ابو بصیر در مورد نیامدن نام امام علی (ع) و اهل بیت در کتاب خدا، حضرت چنین پاسخ میدهند: نماز بر رسول خدا نازل شد ولی خداوند رکعات آن را که سه یا چهارتاست (در کتابش) نام نبرد تا آنکه رسول خدا آن را برای مردم تفسیر کرد، زکات برایشان نازل شد ولی اینکه از چهل درهم یک درهم زکات دارد را نام نبرد تا آنکه رسول خدا (ص) آن را برای مردم تفسیر کرد، و حج نازل شد و خداوند به مردم نفرمود هفت بار طواف کنید تا آنکه رسول خدا آنرا برای مردم تفسیر کرد.

پس نکته ای که در روایت بالا به چشم می‌خورد و اگذاری تفسیر و تبیین برخی از مسائل به رسول خداست که خداوند اراده فرموده بخشی از مسائل را مطرح و ریز جزئیات و مابقی مطالب را به رسولش واگذار کند که در این مسائل برای انجام تمام این اعمال که جزء واجبات دینی آنهاست و مکلف به انجام آن هستند، باید به سخنان و اعمال رسول خدا (ص) مراجعه و از آن تبعیت کنند و



این واگذاری بمانند تمامی دستورات دین و اوامر و احکام از روی حکمت و مصلحت الهی است و ممکن است ما هیچ گاه به همه آنها دست پیدا نکنیم اما از موارد و دلایلی که به ذهن می رسد می تواند به موارد زیر اشاره کرد:

حکمت‌های عدم تصریح در قرآن

۱. مسئله امتحان و آزمون جامعه

پروردگار عالم در مسائل مختلف بندگانش را مورد آزمون قرار می‌دهد تا عیار واقعی و سعی و تلاش خود آنها مشخص شود و سپس بر اساس آنچه که از روی اختیارشان انجام می‌دهند مورد بررسی قرار می‌گیرند و این امتحان در مسائل گوناگون متغیر است و به صورت های مختلف محقق می‌شود یکی از دلائلی که میتوان در مورد عدم آوردن نام ائمه در قرآن ذکر کرد این می‌تواند باشد که خداوند خواسته تا مردم در زمان های مختلف بدنبال حقیقت باشند و برای کامل کردن دین خود به معنای واقعی آن تلاش کنند تا فرق بین مسلمان و مومن واقعی و اهل تلاش دغدغه مند با دیگران معلوم شود و این مورد آزمون و امتحان قرار گرفتن برای هر فرد و قومی متفاوت است و در امور مختلف صورت می‌گیرد برای مثال آیه مقابل که میفرماید: «وَلْيَبْلُوكُمْ بَشْيَءٍ مِّنَ الْخَيْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالنَّمَرَاتِ وَتَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (۱۳) یعنی: قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و

شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.

پس طبق مطالبی که بالا بیان شد جدای از احکام شرعی که خداوند تفسیر و تبیین آنها را به پیامبر واگذار کرد مطلبی به این مهمی که شرط مقبولیت رسالت نیز بیان آن مطلب است که پیامبر در غدیر خم آن را بیان فرمود که آن طبق نظر علمای امامیه و برخی از علمای اهل سنت همین مسئله امامت است و همچنین ده ها آیه دیگر که با کنار قرار دادن آنها با سخنان پیامبر (ص) به خوبی معلوم می‌شود که خطاب آن آیات چیست یا احادیث متواتر و صحیحی چون حدیث تقلین یا حدیث منزلت که خطاب آنها کاملاً مشخص است و در این موارد تبیین پیامبر (ص) در مورد شخص ولی و خلیفه جامعه صورت گرفته و این عمل را پیامبر (ص) در مواضع و حالات مختلف تکرار کرده‌اند تا بهانه‌ای دست کسی نماند و مسلمین به خوبی متوجه امام بعد الرسول شوند تا مسیر هدایت به مشکل بر نخورد.

حال که مشخص شد علت تصریح نشدن نام ائمه (ع) در قرآن کریم بر پایه واگذاری ابلاغ این مطلب از سمت پروردگار به رسولش صورت گرفته و مسئولیت معرفی امام بعد از آخرین پیامبر به عهده خود ایشان است، سعی خواهیم کرد تا به توضیح علل این مطلب (یعنی واگذاری به پیامبر) بپردازیم؛ البته این نکته حائز اهمیت است که علت اصلی



مشغول چوپانی بود که شنید کسی می گوید: سبح قدوس رب الملائکة و الروح (بسیار منزه و مقدس است پروردگار فرشتگان و روح). در آن زمان کسی ذکر خدا را نمی گفت و همه مشرک و بت پرست بودند؛ برای همین گفت: گوینده این ذکر کیست؟ چه کسی ذکر محبوب و خدای من را می گوید؟ اگر یک بار دیگر هم بگویی، نصف گوسفندانم را می دهم. یک بار دیگر تکرار شد. گفت: اگر یک بار دیگر هم بگویی، بقیه گوسفندانم را می دهم. در راه خدا از همه چیزش گذشت؛ بعد معلوم شد جبرئیل نماینده خداست که می خواست ایشان را امتحان کند یا دیگران آزمایشات خداوند مانند ذبح فرزندش و.....

در جامعه صدر اسلام نیز این آزمایش برای تمام کسانی که خود را از اصحاب رسول خدا (ص) و از مومنین حقیقی می دانستند و در نبردها و خوشی ها و ناخوشی ها کنار رسول خدا (ص) بودند گرفته شد و عده ای در این آزمایش فریب جریان نفاق را خوردند و از مسیر فاصله گرفتند و عده ای نه تنها ولایت بلافصل امیرالمومنین حضرت علی علیه السلام را قبول نکردند بلکه به مقابله و ستیز با ایشان برخاستند و به کلی در این آزمایش و ابتلا شکست خورد و موجب نابودی سعادت خود شدند و این امتحان و آزمایش و انتخاب مسیر حق و تلاش برای بدست آوردن آن تا به امروز نیز باقی است.

میوه ها، آزمایش می کنیم؛ و بشارت ده به استقامت کنندگان! (۱۴).

در این آیه مشخص است که خداوند انسان ها را مورد آزمایش قرار می دهد که اینجا جنس آزمایش امور دنیایی است و بشارت تنها برای استقامت کنندگان داده شده.

یا در دو آیه دیگر از قرآن کریم که خداوند میفرماید: «أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (۱۵) یعنی: آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟! ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می کنیم)؛ باید علم خدا درباره کسانی که راست می گویند و کسانی که دروغ می گویند تحقق یابد!

در این آیه شریفه که طی پرسش و پاسخی خداوند صراحتاً بیان می کند که کسانی را که لساناً ادعای ایمان می کنند را مورد آزمایش قرار می دهد تا فرق بین راستگویان و دروغگویان آشکار شود و امتحان الهی در همه ادوار و برای همه انسان ها حتی کسانی که ادعای ایمان می کنند محقق می شود و این آزمایش در پیامبران هم به کرات به چشم می خورد برای مثال حضرت ابراهیم و حضرت ایوب و ... علامه مجلسی (۱۶) در مورد یکی از امتحانات حضرت ابراهیم چنین می آورد: حضرت ابراهیم علیه السلام تنها یکتا پرست زمانه خودش،



• زیرا یکی از خطراتی که جامعه اسلامی را از صدر اسلام تاکنون درگیر خود کرده نفاق است و این نفاق در قالب های مختلف موجب آسیب رساندن به عقاید حقیقی و فاصله گرفتن دین از تعالیم ناب محمدی شده و منافقین همواره در چهره اسلام سعی در تحریف کتاب الهی و این دین مبین داشته اند، در مقابل قرآن کریم از این رو که کامل ترین و بی نقص ترین کتاب و وسیله هدایت بشریت تا آخرین روز وجود عالم هستی می باشد برای همین هم از آوردن نام امام علی (ع) و اهل بیت خودداری کرده تا مبادا با تغییر کلمات و اسما و جای گذاری اسمای آنچه خود می پسندیدند به جای نام های مبارک ائمه (ع) مسیر هدایت را به چالش بزرگتر و بیراهه بکشند از همین رو قرآن بهترین تدبیر را دیده و برای هدایت و مشخص کردن مسیر حق و امام و خلیفه بعد حضرت رسول اکرم با آوردن اوصاف و مشخصاتی که برای عموم جامعه اسلامی مشخص بود، این راهنمایی را انجام داده برای مثال در این آیه که میفرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (۱۷) یعنی سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند (۱۸). در این آیه به وضوح مشخص است که خداوند سرپرست و ولی مومنان بعد خود و رسولش را با صفتی بیان

۲. مسئله اعتقاد و حرف شنوی مردم از پیامبر (ص)

عده ای از مردمان بعد از گذراندن عمری در جهالت و سپری کردن در نادانی هنگامی که مسلمان شدند باید بسیاری از رفتار های نامناسب و اشتباهی که داشتند را اصلاح می کردند و خود را مسیر عبودیت به درگاه خدا قرار میدادند و رفتارهایی که عمری با آن زندگی کردند و برایشان تبدیل به عادت شده بود را ترک می کردند و لازمه ترک این رفتار ها و آداب غلط تبعیت کامل و حرف شنوی از رسول خدا بود بخشی از این حرف شنوی از رسول خدا در تبعیت کردن از سخن ایشان در مورد امام بعد آن حضرت است که باید بنا بر آنچه رسول خدا در موقعیت های مختلف فرموده بودند و آیات قرآنی که در وصف و شان حضرت علی (ع) بود در کنار تبیین های مختلف رسول اکرم که برای همه آشکار بود عمل میکردند نه بر اساس خواسته های نفسانی و امیال درونی که البته عموم جامعه به دلایل مختلف و نفوذ منافقان برخلاف آنچه که حق بود و از روی هوای نفس و عمل کردند و نشان دادند که یا حقیقتاً اعتقاد به اسلام نداشتند و یا در تبعیت از حضرت رسول و سخنان ایشان دارای مشکل و نقص بودند.

۳. جلوگیری از تحریف قرآن

از دیگر حکمت های عدم ذکر نام اهل بیت در قرآن می توان به محفوظ ماندن این کتاب الهی از تحریف اشاره کرد



بصورت اشاره و بیان خصوصیات و ویژگی‌ها و توصیفات غیر از بیان اسم آورده شده است و تبیین این آیات با این شرایط و ویژگی بر عهده رسول اکرم (ص) قرار گرفته تا هم قرآن کریم از گزند دشمنان و منافقین در امان و مصون از تحریف باشد و هم جامعه اسلامی مورد آزمون و امتحان الهی قرار گیرد و هم حرف شنوی مردم از حضرت رسول و اعتقاد حقیقی به مبانی و عقاید اسلامی آشکار شود.

پی نوشت‌ها

- (۱) الکافی، ج ۲، ص ۱۸، باب دعائم الاسلام
 - (۲) المحاسن برقی، ۱۳۷۰ق، ج ۱، ص ۲۸۶ و الکافی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۸
 - (۳) سوره آل عمران، آیه ۱۲۳
 - (۴) سوره نساء، آیه ۱۶۶
 - (۵) سوره مائده، آیه ۵۵
 - (۶) سوره مائده، آیه ۶۷
 - (۷) سوره مائده، آیه ۳
 - (۸) سوره بینه، آیه ۷
 - (۹) سوره نساء، آیه ۵۹
 - (۱۰) سوره مائده، آیه ۶۷
 - (۱۱) ترجمه آیت الله مکارم
 - (۱۲) سوره مائده، آیه ۳
 - (۱۳) سوره بقره، آیه ۱۵۵
 - (۱۴) ترجمه آیت الله مکارم
 - (۱۵) سوره عنکبوت، آیه ۲
 - (۱۶) علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۷۹
 - (۱۷) سوره مائده، آیه ۵۵
 - (۱۸) ترجمه آیت الله مکارم
 - (۱۹) سوره تحریم، آیه ۴
- فهرست منابع
قرآن کریم (ترجمه حضرت آیت الله مکارم شیرازی)
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۴۰۷ ق،

میکنند که مورد شناخت است تا حق جویان بتوانند امام حقیقی را بشناسند یا دیگر آیاتی که مانند این آیه از صفات و خصوصیات منحصر در امیرالمومنین و فرزندان بزرگوارشان میباشد.

همچنین در مورد مذمت کردن نیز قرآن در جایی که احتمال می‌رفت دستخوش تغییر منافقین و گمراهان قرار بگیرد به گونه ای آیات را استفاده و بیان کرده تا آنها دست به حذف و تغییر آن آیات نزنند برای مثال آیات اولیه سوره تحریم که اسمی از فردی نیاورده بلکه با بیان مطالب و سخنانی آنان را مورد مذمت و نکوهش قرار داده: «إِنْ تَوْبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ» (۱۹) یعنی: اگر شما (همسران پیامبر) از کار خود توبه کنید (به نفع شماست، زیرا) دل‌هایتان از حق منحرف گشته؛ و اگر بر ضد او دست به دست هم دهید، کاری از پیش نخواهید برد) زیرا خداوند یاور اوست و همچنین جبرئیل و مؤمنان صالح، و فرشتگان بعد از آنان پشتیبان اویند.

نتیجه پایانی

باتوجه به مطالبی که بیان شد مشخص گردید که نیامدن نام مبارک ائمه اهل بیت (ع) در قرآن نه تنها نشانه ضعف و نقصان ادله امامت آنها نیست بلکه از روی حکمت و مصالح الهی و تدبیری از طرف خداوند لحاظ شده نام امیرالمومنین علی (ع) و فرزندانشان به عنوان امامان جامعه اسلامی در قرآن



دارالکتب الاسلامیه.

برقی، احمد بن ابی عبدالله، المحاسن، ۱۳۷۱ ق، دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ۱۴۰۳ ق، دار احیاء التراث العربی.

با استفاده از:

۱. خیرالله مردانی، ائمه در قران، انتشارات راه قرآن، ۱۳۸۸، نوبت اول.

۲. علی اصغر رضوانی، امام شناسی امامت در قرآن، انتشارات مسجد مقدس جمکران، زمستان ۱۳۸۸، نوبت چهارم.

۳. پرویز رستگار و علی رضا پور برات، مقاله بررسی روایی علل فقدان نام ائمه اطهار (ع) در قرآن کریم، نشریه مطالعات قرآن و حدیث، پایز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۱۱

۴. فتح الله نجارزادگان، مقاله بررسی حکمت عدم تصریح نام ائمه. در قرآن، نشریه پژوهش های فقهی، تابستان و پاییز ۱۳۸۵، سال دوم، شماره ۵.

۵. سید محمد تقی موسوی کراماتی، مقاله روش شناسی قرآن در نام بردن از اشخاص با تاکید بر جرایب یاد نشدن نام امام علی در قران، نشریه مشکوه، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۱۳۳.

۶. علی اکبر مومنی، مقاله بررسی دلایل تصریح نشدن به نام اهل بیت در قرآن، نشریه مشکوه، بهار ۱۳۸۵، شماره ۹۰.

